



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

**Journal Of
Army Strategic Research
Print ISSN:27834212
Volume 4, Issue 12
Summer 2025
P.P. 73 - 97**

The consequences of demographic structure changes on the dimensions of Iran's social and national security

Mehdi Esmaili^{1*}, MohammadReza Rezalou², Mehdi Mahdavizadeh³, Iman Jamshidpour⁴
Abstract

The consequences of demographic changes on the national security of the Islamic Republic of Iran are influenced by important demographic factors such as fertility, mortality, and migration. These factors, which operate in the context of social, cultural, economic, and political variables, can affect the country's national security. Accordingly, the present study seeks to answer the fundamental question of what impact demographic changes have on the social security of the Islamic Republic of Iran? The information in this study was collected through a library method. Despite the fact that the relationship between population and social security is two-way and reciprocal, demographic changes have a greater impact on security issues and play a decisive role in national security by affecting cultural, social, political, and economic aspects. This research is of an applied type and is descriptive-analytical in terms of method. The statistical population of the research consisted of 17 people who were surveyed in their entirety. The results show that the geographical distribution of the population and the density pattern, the population structure and age composition, the ethnic and religious proportions in central and border cities, and external and internal migrations are among the factors that strengthen the strategic link between population and social security.

Keywords: Consequence, Population, National Security, Social Security

Citation: Esmaili, Mehdi; Rezalou, MohammadReza; Mahdavizadeh, Mehdi; Jamshidpour, Iman (2025). The consequences of demographic structure changes on the dimensions of Iran's social and national security, *4(12)* 73-97

1. Faculty member, Farabi Faculty of Science and Technology. Tehran. Iran. (Corresponding author). Email: alireza.m21280@gmail.com

2. PhD student, Defense Sciences, Military Thought, National Defense University. Tehran. Iran.

3. Faculty member, Farabi Faculty of Science and Technology. Tehran. Iran.

4. PhD student, Political Geography and University Lecturer

Received: 2025/05/08

Article Type: Research - based

Accepted: 2025/08/19



چکیده

پیامدهای تحول ساختار جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر عوامل مهم جمعیت‌شناسی همچون باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت است. این عوامل، که در بستر متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عمل می‌کنند، می‌توانند امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار دهند. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که تغییرات جمعیتی چه تأثیری بر امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ اطلاعات این تحقیق از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. علی‌رغم آنکه رابطه جمعیت و امنیت اجتماعی دوسویه و متقابل است، تغییرات جمعیتی تأثیرگذاری بیشتری بر مسائل امنیتی دارد و با اثرگذاری بر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت ملی ایفا می‌کند. این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۷ نفر بوده که به‌صورت تمام شمار بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع جغرافیایی جمعیت و الگوی تراکم، ساختار جمعیتی و ترکیب سنی، نسبت‌های قومیتی و مذهبی در شهرهای مرکزی و مرزی، و مهاجرت‌های خارجی و داخلی از جمله عواملی هستند که پیوند راهبردی میان جمعیت و امنیت اجتماعی را تقویت می‌کنند.

واژگان کلیدی: پیامد، جمعیت، امنیت ملی، امنیت اجتماعی

استناد: اسمعیلی، مهدی؛ رضالو، محمدرضا؛ مهدوی زاده، مهدی؛ جمشیدپور، ایمان (۱۴۰۴). پیامدهای تحول ساختار جمعیتی بر ابعاد امنیت اجتماعی و ملی ایران. *ویژه‌نامه جوانی جمعیت و قدرت نظامی* ۹۷(۱۲): ۷۳-۹۷

۱. عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول): Email:alireza.m21280@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری، علوم دفاعی گرایش اندیشه نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

۳. عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران.

۴. دانش‌آموخته دکتری، جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

مقدمه

در دنیای امروز، طراحی و اجرای مؤثر برنامه‌های توسعه‌ای در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن جمعیت و نرخ رشد آن، امکان‌پذیر نخواهد بود. در دو دهه گذشته، کشور ما تحت تأثیر سیاست‌های مختلف و تغییرات در روندهای زیستی، با دگرگونی‌های جمعیتی چشمگیری مواجه شده است.

این تغییرات جمعیتی، حاصل دگرگونی‌هایی هستند که خود تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند. این عوامل، از طریق اثرگذاری بر میزان باروری، نرخ مرگ‌ومیر و الگوهای مهاجرت، تغییرات جمعیتی را شکل می‌دهند. در این میان، باروری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جمعیتی، تأثیر مستقیمی بر اندازه و ترکیب جمعیت دارد (سروستانی، ۱۳۹۰: ۷۰).

از سوی دیگر، امنیت یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در عصر مدرن محسوب می‌شود و امنیت ملی به‌عنوان بزرگ‌ترین دغدغه هر نظام سیاسی، با عناصر اقتصادی، ایدئولوژیک، فرهنگی، اجتماعی و نظامی پیوند خورده است. امنیت ملی از ارزشمندترین سرمایه‌های یک کشور به‌شمار می‌آید و به همین دلیل، دولت‌ها تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های ملی خود را برای حفظ و تقویت آن بسیج می‌کنند (امانی، ۱۳۸۴: ۵۴).

در جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی جایگاه ویژه‌ای دارد و بسیاری از ارزش‌ها و منافع ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت ملی اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از این متغیرهای کلیدی، تغییرات جمعیتی است که تحت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی همچون ولادت، مرگ‌ومیر و مهاجرت شکل می‌گیرد. از دهه دوم انقلاب اسلامی، کاهش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ‌ومیر، روند سالخوردگی جمعیت را تسریع کرده است. درحالی‌که نیروی جوان و پویای جامعه یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی محسوب می‌شود، کاهش این جمعیت می‌تواند توان دفاعی و اقتدار کشور را تضعیف کند. این موضوع، به‌ویژه برای کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران که همواره با تهدیدهای فزاینده قدرت‌های بزرگ مواجه بوده، یک چالش امنیتی جدی به‌شمار می‌رود.

اهمیت بررسی این مسئله در آن است که برای حفظ تعادل و پویایی جمعیت، تغییرات جمعیتی باید به‌طور مداوم مطالعه شده و چشم‌انداز آن ترسیم شود. در صورتی که مطالعات نشان‌دهنده احتمال برهم خوردن تعادل جمعیتی باشند، اتخاذ سیاست‌های مناسب جمعیتی ضروری

خواهد بود. علاوه بر این، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیازمند تدوین راهبردهای جامع و کارآمد است که مستلزم بررسی همه‌جانبه متغیرهای تأثیرگذار بر آن است. این پژوهش می‌تواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در انتخاب راهبردهای مناسب برای ارتقای امنیت ملی کشور یاری دهد.

هدف این پژوهش، شناسایی چالش‌های ناشی از تحولات جمعیتی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی، و ارائه راهکارهای راهبردی برای مقابله با تهدیدات ناشی از این تغییرات است. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی این پرسش کلیدی می‌پردازد که تغییرات جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند بر امنیت اجتماعی کشور تأثیرگذار باشد؟ احتمالاً که این تغییرات، موجب کاهش توان دفاعی و تضعیف اقتدار سیاسی کشور شده و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات جدی مواجه خواهد کرد.

بیان مسئله

در عصر جدید، امنیت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری، جایگاه مهمی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی ملت‌ها دارد. هرگونه تهدید علیه امنیت، آرامش و نظم عمومی جامعه را به خطر انداخته و باعث ایجاد احساس ناامنی در افراد می‌شود. بررسی تاریخ جوامع نشان می‌دهد که امنیت همواره یکی از دغدغه‌های اساسی بشر بوده است. هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که برای مدت طولانی، بدون نگرانی‌های امنیتی سپری کرده باشد. در یک بررسی تبارشناسانه، می‌توان دریافت که مفهوم امنیت حتی قدمتی طولانی‌تر از اجتماع و جامعه دارد (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۵). این مفهوم در بُعد سلبی به معنای فقدان هرگونه تهدید است که می‌تواند از منابع داخلی، محیطی یا خارجی ناشی شود. برای مثال، هنگامی که افراد به دلیل ترس از محیط پیرامون، دچار خودسانسوری می‌شوند، می‌توان گفت که در وضعیت ناامنی به سر می‌برند. در تحلیل وضعیت امنیت، باید میان سه مفهوم ناامنی، تصور ناامنی و احساس ناامنی تمایز قائل شد. ممکن است یک کشور از نظر شاخص‌های عینی، فاقد امنیت باشد و در نتیجه، آن را ناامن تلقی کنیم. در برخی موارد نیز، علی‌رغم وجود امنیت، افراد جامعه احساس ناامنی می‌کنند، یا بالعکس، ممکن است امنیت واقعی برقرار باشد اما به دلیل اختلالات ذهنی و روانی، تصور ناامنی در جامعه شکل بگیرد.

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه در حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی یا احتمالی اشاره دارد. احساس ناامنی اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که

جوامع، هویت و ارزش‌های خود را در معرض خطر ببینند. امنیت در بنیان زندگی انسان‌ها نقش حیاتی داشته و با تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیوند خورده است. انسان، به‌عنوان موجودی اجتماعی، برای بقا و شکوفایی خود نیازمند حفظ امنیت اجتماعی است که در آن زیست می‌کند. این اجتماعات، ضمن برآوردن نیازهای افراد، بستر تعاملات انسانی را فراهم می‌کنند. از این‌رو، تأمین امنیت اجتماعی امری ضروری است، چراکه هرگونه اختلال در این سازوکارها می‌تواند به ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود (همان: ۲۷).

پیشینه پژوهش

میرزایی (۱۳۸۵) بیان می‌کند که بسیاری از اندیشمندان اجتماعی با توجه به شرایط کنونی و تحولات جمعیتی، وضعیت موجود را نگران‌کننده می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که سیاست‌های جمعیتی و فرهنگ عمومی باید به‌طور جدی مورد بازنگری قرار گیرند تا روند کاهشی جمعیت و نرخ باروری کنترل شود.

سرائی، حسین (۱۳۷۰) در کتاب «گذار جمعیتی دوم ایران» توضیح می‌دهد که تغییرات جمعیتی، نتیجه تحولات عوامل مؤثر بر آن است. این عوامل شامل سه فرایند کلیدی باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت هستند. علاوه بر این، این سه مؤلفه تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای مختلفی نظیر عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند که نقش بسزایی در تغییرات جمعیتی ایفا می‌کنند.

مهریار، هوشنگ (۱۳۹۳) در مقاله «جمعیت ایران و تحولات آن در نیم‌قرن گذشته» با استفاده از داده‌های سرشماری، روند تغییرات جمعیتی ایران را از نیمه دوم قرن بیستم بررسی کرده است. مشفق، محمود (۱۳۹۱) در مقاله «آینده‌پژوهی تغییرات جمعیتی در ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰»، چشم‌اندازی از روند تغییرات جمعیتی کشور ارائه داده و بر کاهش شتابان نرخ رشد جمعیت تأکید کرده است.

حسین حاتمی (۱۳۸۳) در کتاب «درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده» به بررسی نظریه‌های مختلف جمعیت‌شناسی پرداخته و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت را تحلیل کرده است.

عباسی شوازی (۱۳۸۴) در مقاله «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران» نشان می‌دهد که روند کاهش باروری، علاوه بر تحولات جمعیتی، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیش و پس از انقلاب اسلامی بوده است.

محمودی (۱۳۹۰) در مقاله «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساختار درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران» به بررسی رابطه میان جمعیت و اقتدار سیاسی، اقتصادی و ملی پرداخته و چالش‌های ناشی از کاهش باروری و پیر شدن جمعیت را در کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی قرار داده است. علینی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از رویکرد سازه‌نگاری، تأثیر این متغیرها بر امنیت ملی را تحلیل کرده و بر نقش تعیین‌کننده عوامل اجتماعی و فرهنگی در دستیابی به امنیت ملی تأکید داشته است.

سید ابراهیم قلی‌زاده در مقاله «تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن» نتیجه می‌گیرد که در شرایط کنونی، تغییر سیاست‌های جمعیتی ضروری نیست و هرگونه تغییر در این سیاست‌ها می‌تواند پیامدهای امنیتی به همراه داشته باشد که از جمله آن‌ها افزایش وابستگی کشور به قدرت‌های خارجی است.

تهامی، مجتبی (۱۳۸۲) در کتاب «امنیت ملی، دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی» بر این نکته تأکید دارد که ابعاد مختلف امنیت ملی به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند. او امنیت ملی را مجموعه‌ای از نیازهای حیاتی جامعه می‌داند که در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و تهدید هر یک از این ابعاد، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد.

مبانی نظری پژوهش

امنیت ملی مفهومی پیچیده و چندوجهی است که به دلیل ابعاد مختلف آن، تعاریف گوناگونی دارد. تهامی در تعریف خود امنیت ملی را به‌عنوان وضعیت عدم تهدید علیه ثبات سیاسی، استقلال، تمامیت ارضی، و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور معرفی می‌کند. به‌طور کلی، امنیت ملی به شرایطی اشاره دارد که در آن، کشور از تهدیدات جدی مصون بوده و قادر است به نیازهای حیاتی جامعه پاسخ دهد (تهامی، ۱۳۸۸: ۲۷).

در تعریفی دیگر، امنیت ملی مفهومی است که به تأمین ایمنی روانی و مادی جامعه اشاره دارد. این مسئولیت بر عهده حکومت‌هاست تا از تهدیدات خارجی که بقای نظام و سبک زندگی شهروندان را به خطر می‌اندازد، جلوگیری کنند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۰). روشندل (۱۳۷۴: ۱۱) نیز امنیت ملی را به توانایی یک کشور در مقابله با تهدیدات خارجی که ممکن است حیات سیاسی یا منافع ملی آن را تحت تأثیر قرار دهد، تعبیر می‌کند.

باری بوزان، پژوهشگر برجسته مکتب کپنهاک، انتقاداتی از دیدگاه‌های سنتی درباره امنیت

داشته و آن را صرفاً به بُعد نظامی محدود نمی‌داند. او معتقد است که امنیت مفهومی گسترده و چندبعدی است که باید در پنج بخش نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد تحقیق قرار گیرد. از نظر وی، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها می‌توانند در این پنج بخش مختلف بروز پیدا کنند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۸). اعضای مکتب کپنهاک همگی از طرفداران این رویکرد گسترده به امنیت هستند.

یکی از دلایل اصلی ضرورت تعریف امنیت به صورت جامع، تغییر ماهیت تهدیدات است. به گفته بوزان و همکارانش، امنیت نظامی در درجه اول به توانایی حکومت‌ها در حفاظت از خود در برابر تهدیدات نظامی داخلی و خارجی مربوط است. تهدیدات سیاسی به مشروعیت داخلی، خارجی و ایدئولوژیک حکومت‌ها مرتبط می‌شود. همچنین، امنیت اجتماعی به حفظ و تداوم هویت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جوامع تحت شرایطی قابل قبول برای تحول و تکامل اشاره دارد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸).

در عرصه جمعیت‌شناسی، برای تحلیل تغییرات جمعیتی جوامع از نظریه «گذار جمعیتی» استفاده می‌شود. این نظریه، به‌ویژه در نسخه دوم آن که توسط پژوهشگرانی همچون وندیکا و استهناق مطرح شده، تغییرات جمعیتی در جوامع پسامدرن را می‌توان از منظر نظریه گذار جمعیتی تحلیل کرد. این نظریه مطرح می‌کند که جوامع به تدریج از الگوی کنترل طبیعی جمعیت به سمت کنترل ارادی آن حرکت می‌کنند. در الگوی طبیعی، نرخ‌های باروری و مرگ‌ومیر هر دو در سطح بالایی قرار دارند، اما با گذار به کنترل ارادی، رشد جمعیت به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد. و باروری و مرگ‌ومیر تحت کنترل قرار می‌گیرد (Lesthaeghe, 2006: 58).

بونگارت، یکی از پژوهشگران نظریه گذار جمعیتی، بر این باور است که با کاهش نرخ مرگ‌ومیر، افراد به تدریج سطح باروری خود را نیز کاهش می‌دهند. در این مرحله، تعادل جدیدی در جمعیت ایجاد می‌شود که با نرخ‌های پایین باروری و مرگ‌ومیر همراه است. با این حال، اگر میزان باروری در سطحی بسیار پایین باقی بماند، جمعیت به سرعت روند کاهشی پیدا خواهد کرد. (Bongaarts, 1997: 12).

یکی از وجوه اصلی گذار جمعیتی، «گذار باروری» است که به تغییرات عمده در الگوی باروری و کاهش آن اشاره دارد. باروری به‌عنوان مهم‌ترین عامل تغییرات جمعیتی، تأثیر مستقیمی بر تعداد، حجم و ساختار جمعیت دارد. در الگوی گذار باروری، جامعه از وضعیت باروری طبیعی

و کنترل نشده به وضعیت باروری کنترل شده و پایین تر از سطح جانشینی (۲.۱) کودک به ازای هر زن) تغییر می‌کند. مدت زمان گذار باروری در جوامع مختلف متفاوت است و به سطح توسعه و تغییرات اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد. گذار جمعیتی در دو مرحله انجام می‌شود: در مرحله اول، سطح باروری به تدریج کاهش می‌یابد، اما این کاهش همچنان بالاتر از سطح جانشینی است. در مرحله دوم، باروری به سطح زیر جانشینی کاهش می‌یابد و این روند ادامه می‌یابد و تثبیت می‌شود. چالش‌های این مراحل شامل افزایش نیازهای بهداشتی، آموزشی و درمانی به‌ویژه برای کودکان و مادران و همچنین فشارهای اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت و افزایش بار تکفل است.

چالش‌های مرحله دوم گذار جمعیتی پیچیده‌تر و دارای ابعاد گسترده‌تری هستند. از این رو، نمی‌توان فهرستی بسیط و مشخص از این چالش‌ها ارائه داد، بلکه لازم است آن‌ها را در مقولات مختلف دسته‌بندی کرد. بر این اساس، مرحله دوم گذار جمعیتی با مجموعه‌ای از مسائل و چالش‌های اساسی همراه است که در چهار حوزه کلی دسته‌بندی می‌شوند: چالش‌های مرتبط با جمعیت، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، چالش‌های اقتصادی، و چالش‌های سیاسی و امنیتی. (Vandekaa, 2002: 145)

کاربست نظریه بر موضوع پژوهش

با توجه به مباحث نظری مطرح شده، می‌توان چند نکته کلیدی را استخراج کرد که در تحلیل موضوع پژوهش کاربرد دارند:

۱. تغییرات باروری و چالش‌های امنیتی

در مرحله اول گذار جمعیتی، کشورها با ابعاد مختلفی از چالش‌ها، به‌ویژه در حوزه امنیتی، مواجه می‌شوند (جوان، ۱۳۹۰: ۱۴). کاهش باروری و تغییرات ساختار جمعیتی تأثیرات مستقیمی بر امنیت ملی دارد.

۲. ارتباط بین نظریه بوزان و نظریه گذار جمعیتی دوم

بر اساس نظریه باری بوزان در چارچوب مکتب کپنهاک، امنیت صرفاً به بعد نظامی محدود نمی‌شود، بلکه مسائل اجتماعی و جمعیتی نیز می‌توانند به‌عنوان پدیده‌های امنیتی مطرح شوند. نظریه گذار جمعیتی دوم نیز تأکید دارد که تغییرات جمعیتی، به‌ویژه در مرحله دوم، تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه دارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از موضوعات امنیت ملی موردبررسی قرار گیرد.

۳. گذار جمعیتی و چالش‌های امنیتی

در مرحله دوم گذار جمعیتی، ایجاد چالش‌های جمعیتی در چارچوب تعاریف موسع از امنیت ملی قرار می‌گیرد. کاهش نرخ باروری به سطح زیر جانشینی، افزایش سالمندی جمعیت، کاهش نیروی کار جوان و تغییرات ساختار سنی، همگی می‌توانند پایداری اجتماعی و اقتصادی کشور را تهدید کنند.

۴. کاربرد نظریه گذار جمعیتی در تحلیل وضعیت ایران

برای تحلیل تغییرات جمعیتی در ایران، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که شامل میزان باروری کل، نرخ موالید خام، میزان مرگ‌ومیر نوزادان، نرخ مرگ‌ومیر خام، سالمندی جمعیت و شاخص‌های ساختار سنی جمعیت هستند.

در این چارچوب، پژوهش حاضر بر این باور است که تغییرات جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران از دهه ۱۳۷۰ به بعد، چالش‌هایی را به وجود آورده که امنیت ملی کشور را در ابعاد مختلف تهدید کرده و تحت تأثیر قرار داده است.

تعاریف مفاهیم پژوهش

جمعیت

واژه جمعیت در لغت به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که در یک ناحیه جغرافیایی، اعم از شهر یا روستا، ساکن هستند. در علم جمعیت‌شناسی، این اصطلاح به گروهی از افراد که در یک منطقه خاص زندگی می‌کنند، اشاره دارد. از نظر مفهومی، جمعیت به تمامی کسانی گفته می‌شود که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی نظیر کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا به‌صورت خانوار یا خانواده زندگی می‌کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۳).

عوامل مؤثر بر جمعیت

الف) باروری و موالید

در بحث موالید، بررسی تعداد نوزادان زنده به دنیا آمده در یک بازه زمانی معین و در یک منطقه جغرافیایی خاص مدنظر است. در مقابل، باروری به گروه مولد جامعه، یعنی زنان در سنین باروری (۱۵ تا ۴۹ سال)، اشاره دارد. این گروه پتانسیل بالاتری برای زاد و ولد دارند و تغییرات در آن تأثیر مستقیمی بر نرخ رشد جمعیت خواهد داشت.

ب) مرگ و میر

عوامل متعددی بر میزان مرگ‌ومیر اثرگذار می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نژاد،

وراثت، تغذیه، جنس و همچنین شیوه و فرهنگ زندگی اشاره کرد. بهبود شرایط بهداشتی و افزایش امید به زندگی، از عوامل مؤثر در کاهش نرخ مرگ‌ومیر هستند.

ج) مهاجرت

مهاجرت شامل جابجایی افراد به داخل یا خارج از یک منطقه جغرافیایی است. اگر مهاجرت به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در تغییر تعداد جمعیت یک منطقه عمل کند، آن جمعیت "باز" نامیده می‌شود. عوامل مؤثر بر مهاجرت شامل تسهیلات حمل‌ونقل، ارتباطات و سیستم تجارت جهانی است که می‌تواند موجب افزایش تحرک جمعیت شود (سمیعی نسب و ترابی، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

د) ازدواج و طلاق

بی‌شک میزان طلاق و ازدواج تأثیر مستقیمی بر میزان زاد و ولد دارند. در جامعه‌ای میزان طلاق کم باشد و در آن سن ازدواج پایین و دوره زندگی مشترک طولانی باشد، شرایط مساعدتری برای افزایش میزان باروری دارد. برعکس، افزایش سن ازدواج و بالا رفتن نرخ طلاق می‌تواند به کاهش نرخ زاد و ولد و تغییرات در توزیع جمعیت منجر شود (همان: ۱۶۵)

جمعیت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری جمعیت را ستون و پایه اصلی اقتدار ملی و دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته و بر اهمیت آن در امنیت ملی تأکید کرده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امروز علاوه بر این نعمت‌ها یک نعمت بزرگ دیگر هم خدای متعال به این ملت داده است و آن کثرت جوانان این کشور است. اکثر جمعیت این کشور جوانند... یعنی کسانی که یا همین حالا می‌توانند از آب و خاک‌شان دفاع کنند یا به‌مرور در چند سال آینده به‌صورت یک نیروی مدافع و سرسخت از این کشور و از این نظام در می‌آیند چنین کشوری از هیچ تجاوز بیگانه‌ای نمی‌ترسد و نباید بترسد؛ از هیچ عقب ماندگی‌ای نباید واهمه داشته‌باشد و نسبت به هیچ آینده‌ای نباید ناامید باشد». (بیانات مقام معظم رهبری (۵/۷/۱۳۷۶) بر این اساس، کاهش جمعیت و پیر شدن ساختار سنی کشور می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی تلقی شود، چراکه نیروی انسانی و به‌ویژه جوانان، به‌عنوان موتور محرک توسعه و دفاع از کشور، نقش مهمی در حفظ استقلال و پیشرفت ملی ایفا می‌کنند.

مفهوم امنیت

واژه امنیت از ریشه لاتین Sine Cura گرفته شده که به معنای «بدون ترس» است. از این‌رو،

این اصطلاح مفهومی منقطع دارد و می‌تواند هم به تهدیدهای بزرگ علیه بشریت و هم به مشکلات جزئی‌تر اشاره کند (هاگ، ۱۳۹۰: ۵۴). ویور، یکی از نظریه‌پردازان برجسته مکتب کپنهاک، بر این باور است که امنیت مفهومی نسبی بوده و باید به‌صورت جامع و در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. (Ackleson, 2005:165) مکتب کپنهاک با رد نگاه صرفاً نظامی به امنیت، آن را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز تعریف می‌کند.

جمعیت و توسعه

واژه Population در لغت به معنای نفوس، مردم و جمعیت است، در حالی که Development به رشد تدریجی چیزی اشاره دارد که به مرور زمان قوی‌تر و پیشرفته‌تر می‌شود (Wehmeier, 2005: 1171,418). یکی از موضوعات اساسی در نظریه‌های رشد جمعیت، بررسی ارتباط میان جمعیت و توسعه است. این رابطه را می‌توان از دو دیدگاه ظاهراً متناقض تحلیل کرد: نظریه نخست بیان می‌کند که توسعه موجب افزایش جمعیت می‌شود، در حالی که نظریه دوم بر این باور است که توسعه به کاهش نرخ زاد و ولد، مرگ‌ومیر و در نتیجه کاهش رشد جمعیت منجر می‌شود. با در نظر گرفتن تفاوت‌های این دو دیدگاه—یعنی توجه نظریه نخست به تکامل اجتماعی و تمرکز نظریه دوم بر نرخ رشد جمعیت—می‌توان دریافت که این دو رویکرد لزوماً در تضاد با یکدیگر نیستند.

در مورد دیدگاه دوم، دو نظریه اصلی مطرح است: نظریه اول تأکید دارد که جمعیت زیاد می‌تواند بستر توسعه را فراهم کند، چرا که حداقل میزان جمعیت برای پیشرفت ضروری است. در مقابل، نظریه دوم استدلال می‌کند که افزایش بیش از حد جمعیت می‌تواند موجب فقر، عقب‌افتادگی و کاهش سطح توسعه شود.

در بررسی تطبیقی این نظریه‌ها، می‌توان گفت که پویایی جمعیت همواره تحت تأثیر شرایط خاص زمانی و مکانی بوده و نمی‌توان حد ثابتی برای آن تعیین کرد. آنچه اهمیت دارد، ایجاد تعادل میان رشد جمعیت و میزان منابع و امکانات زندگی در طول زمان است (بهنام، ۱۳۹۵: ۲۰۴). بنابراین، رابطه میان جمعیت و توسعه یک‌جانبه نبوده و می‌تواند به‌صورت دوسویه عمل کند. به‌عنوان نمونه، در چین افزایش جمعیت موجب حفظ ساختارهای سنتی اقتصادی شد، در حالی که ژاپن، با جمعیتی کمتر، موفق شد به توسعه صنعتی و فناوری پیشرفته دست یابد (زنجانی، ۱۳۸۶: ۲۱).

همچنین، مقایسه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کم‌جمعیتی الزماً به توسعه منجر

نمی‌شود و بیش جمعیتی نیز همواره برابر با عقب‌ماندگی نیست.

امنیت اجتماعی

مفهومی جامع و حیاتی است که به تأمین ایمنی و آرامش جامعه و افراد آن اشاره دارد. امنیت اجتماعی نه تنها به حفظ جان و مال افراد مربوط می‌شود، بلکه شامل حفظ حقوق اساسی، اجتماعی و اقتصادی افراد و جامعه به‌طور کلی نیز می‌باشد. در واقع، امنیت اجتماعی همواره به‌عنوان یکی از اهداف اصلی هر جامعه و دولت مطرح بوده و تضمین آن، اساسی‌ترین وظیفه دولت نسبت به شهروندان است.

امنیت اجتماعی به‌طور گسترده‌تر به حفظ نظم، استقرار قوانین عادلانه و پیشگیری از خشونت و جرم در جامعه می‌پردازد. فرآیندها و اقداماتی که به تحقق امنیت اجتماعی منجر می‌شوند، شامل ایجاد قوانین کیفری و مدنی، توسعه نظام قضایی قوی و عادلانه، پیشگیری از جرم و خشونت، حفظ نظم و ایجاد امکانات عمومی ایمن و سالم می‌باشند.

در جامعه‌هایی که امنیت اجتماعی به‌خوبی تضمین شده‌است، افراد به‌طورکلی از حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند هستند و احساس اطمینان و آرامش در محیط زندگی خود را تجربه می‌کنند. در این جامعه‌ها، ارتکاب جرم و خشونت کاهش می‌یابد و افراد به آزادی از ترس و نگرانی‌های زیاد دست می‌یابند.

امنیت اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد یک جامعه به‌طورکلی از خطرات و تهدیدهای مختلف در ابعاد مختلف زندگی خود در امان هستند و احساس امنیت می‌کنند. امنیت اجتماعی شامل محافظت از حقوق و آزادی‌های افراد، حفظ نظم و امنیت عمومی و ایجاد فرصت‌های مساوی برای همه اعضای جامعه و کاهش تفاوت‌های اجتماعی است. (جعفری، ۱۳۹۹: ۴۰)

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش‌شناسی، از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق، جامعه آماری شامل ۱۷ نفر می‌باشد که از میان آن‌ها فرماندهان ارتش، اعضای هیئت‌علمی دانشکده علوم و فنون فارابی، و دانشجویان دکتری دانشگاه دفاع ملی انتخاب شده‌اند. این افراد دارای مدرک حداقل کارشناسی‌ارشد و سابقه خدمت بیش از ۲۲ سال هستند. در این مطالعه، حجم نمونه به‌صورت تمام شمار محاسبه و تمامی اعضای جامعه آماری در تحقیق مشارکت دارند.

داده‌های جدول (جدول شاخص‌های آماری) نشان‌دهنده این است که میانگین، میانه و انحراف

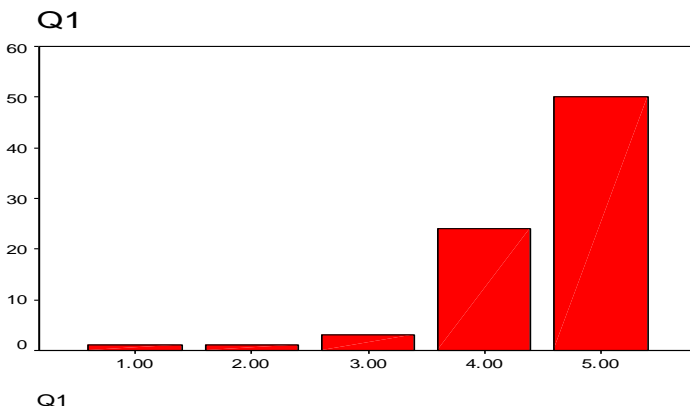
استاندارد توزیع به ترتیب ۴.۵۳،۵ و ۰.۷۳ بوده است. توزیع داده‌ها از کجی منفی قابل توجهی برخوردار است و در نقطه اوج خود، در مقایسه با توزیع نرمال، دارای برآمدگی زیادی است. مقادیر کمینه و بیشینه نمرات نیز در بازه‌ای بین ۱ تا ۵ قرار دارند. علاوه بر این، توزیع فراوانی نشان می‌دهد که ۹۵.۷ درصد از پاسخ‌دهندگان در دسته‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" به سؤال اصلی پاسخ مثبت داده‌اند.

جدول شماره یک شاخص‌های آماری

N	Valid	۱۷
	Missing	0
	Mean	۰.۴۵۳۱
	Std. Error of Mean	.08419
	Median	5.0000
	Mode	5.00
	Std. Deviation	۳.7482
	Variance	۶.5598
	Skewness	۱-2.18
	Std. Error of Skewness	.271
	Kurtosis	۳6.48
	Std. Error of Kurtosis	۴.53
	Range	4.00
	Minimum	1.00
	Maximum	5.00
	Sum	358.00

جدول شماره دو توزیع فراوانی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	1.00	۳	1.3	1.3	1.3
	3.00	۹	3.8	3.8	6.3
	.00	۵	30.4	30.4	36.7
	Total	۱۷	100.0	100.0	



جدول شماره سه آزمون خی دو

Observed N			
2.00	8	15.8	-14.8
3.00	10	15.8	-12.8
4.00	12	15.8	8.2
Total	17		

Test Statistics

Q1	
Chi-Square (a)	116.37
Df	4
Asymp. Sig.	.000

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند که مقدار خی دو مشاهده شده (۱۱۶.۳۷) در درجه آزادی ۴، از نظر آماری معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی توزیع و تراکم جغرافیایی جمعیت، ترکیب سنی، ساختار جمعیتی، نسبت قومیتی و مذهبی در شهرهای مرزی و مرکزی، و همچنین مهاجرت‌های داخلی و خارجی، تأثیرات قابل توجهی بر مفاهیم راهبردی مرتبط با جمعیت و امنیت اجتماعی دارند.

یافته‌های پژوهش

پیامدهای تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی با نگاه امنیت اجتماعی به‌طور خلاصه پیامدهای تغییرات جمعیتی مؤثر بر امنیت ملی با توجه به امنیت اجتماعی عبارت‌اند از:

۱- افزایش یا کاهش جمعیت

در مواردی به دلیل حوادث طبیعی مانند سیل یا زلزله یا جنگ‌ها، قسمتی از جمعیت یک کشور از بین می‌رود. در چنین شرایطی، اختلال در تعادل قبلی میان هویت‌های مختلف می‌تواند زمینه‌ساز بروز چالش‌های جدید شود. این وضعیت به‌ویژه در کشورهای کم‌جمعیت که از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به جمعیت خود وابسته هستند، اهمیت بیشتری دارد. علاوه بر این، در کشورهایی که هویت‌های مختلفی دارند و در همسایگی یکدیگر قرار دارند، کاهش جمعیت در یک هویت می‌تواند موجب تحریک هویت‌های دیگر در کشورهای همسایه شود و تهدیدات امنیتی جدیدی ایجاد کند. رشد بی‌رویه جمعیت نیز می‌تواند منجر به کاهش منابع و افزایش مشکلات اجتماعی و فرهنگی شده و در نهایت منجر به تأثیر منفی بر قدرت ملی گردد. (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱: ۸۶)

۲- تغییرات جنسیتی جمعیت

در برخی موارد، وقوع حوادث طبیعی یا اجتماعی می‌تواند باعث تغییرات چشمگیری در نسبت جمعیت مردان به زنان شود. این تغییرات ممکن است بر نوع مطالبات و رفتارهای عمومی تأثیر بگذارند. به‌ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، چنین تغییراتی می‌توانند تعادل‌های موجود را بر هم زنند و بر میزان و کیفیت قدرت فرهنگی و اجتماعی تأثیر بگذارند. (همان: ۸۷)

۳- شکاف نسلی

شکاف نسلی پدیده‌ای است که به‌ویژه در جوامع در حال گذار و در نتیجه تغییرات اجتماعی و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر بروز می‌کند. در این جوامع، تغییرات در شبکه‌های سنتی زندگی و نهادهای مدنی جدید باعث بروز ارزش‌هایی می‌شود که با هنجارهای سنتی هم‌خوانی ندارند. این امر موجب بی‌ثباتی و بحران در حوزه ارزش‌ها می‌شود و شکاف‌های عمیق میان نسل‌ها ایجاد می‌کند. این شکاف‌ها ناشی از اختلال در فرایند انتقال ارزش‌ها، نارسایی در فرایند اجتماعی‌شدن و کاهش مشروعیت گروه‌های مرجع ارزشی است. (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۲)

۴- توسعه حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و مشکلات اقتصادی-اجتماعی، همچون مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها به شهرها و افزایش سرعت شهرنشینی، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، شکل می‌گیرد. ویژگی‌های حاشیه‌نشینی شامل فقر، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی، بیکاری، سطح پایین تحصیلات و مهارت است که می‌تواند

موجب بروز ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی در جوامع گردد. (عریضی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

۵- مهاجرت

در زمان وقوع جنگ‌ها، درگیری‌های داخلی و بلایای طبیعی معمولاً مهاجرت‌ها افزایش می‌یابد. زمانی که یک کشور در چنین شرایطی پذیرای مهاجران زیادی باشد، هویت فرهنگی و اجتماعی آن کشور با تهدیداتی روبه‌رو می‌شود. این نوع مهاجرت‌ها می‌تواند موجب افزایش تعارضات قومی و مذهبی، تأثیر بر باورها و سنت‌ها و همچنین افزایش جرائم و ناهنجاری‌ها شود.

۶- تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان

نخبگان علمی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت آن ایفا می‌کنند. بنابراین، تغییرات در تعداد این افراد، مانند مهاجرت یا تحصیل در محیط‌های خارجی که هویت‌های متفاوتی دارند، می‌تواند تهدیداتی برای امنیت و هویت فرهنگی - اجتماعی کشور به همراه داشته باشد. (همان: ۲۵)

ویژگی‌های امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی نقشی حیاتی در تولید و تقویت قدرت ملی و همچنین تضمین امنیت ملی دارد. کیفیت جمعیتی، که مجموعه‌ای از ویژگی‌های مختلف را دربر می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان منشأ قدرت، پیشرفت، امنیت، رفاه و آسایش ملی عمل کند. در غیر این صورت، جمعیت‌هایی که فاقد کیفیت لازم هستند، حتی اگر تعداد زیادی نیز داشته باشند، می‌توانند موجب ضعف، عقب‌ماندگی، ناامنی و رنج ملی شوند؛ وضعیتی که در بسیاری از کشورهای آفریقایی مشاهده می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۹)

برخی از ویژگی‌های کلیدی که به ایجاد امنیت اجتماعی در جمعیت کمک می‌کنند عبارتند از:

سطح سواد و تحصیلات

سطح تحصیلات یکی از معیارهای اساسی در تقویت امنیت اجتماعی به شمار می‌آید. این شاخص شامل عواملی همچون توسعه آموزش عمومی، نسبت بالای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نسبت به جمعیت کل، و همچنین ارتقاء سطح دانش فنی در میان اعضای جامعه است. این ویژگی‌ها موجب تقویت تفکر، خلاقیت، مهارت و حساسیت نسبت به مسائل ملی می‌گردند. از منظر ژئوپلیتیک، تنها انسان‌هایی که از مهارت‌های لازم برخوردارند، هدفمند هستند و وضعیت

کیفی مناسبی دارند، می‌توانند تأثیرگذار باشند. اگر افراد یک کشور نتوانند موقعیت خود را به درستی تحلیل کنند، آن کشور نمی‌تواند به توسعه و امنیت پایدار دست یابد و همواره با بی‌ثباتی مواجه خواهد بود. (عزتی، ۱۳۹۴: ۹۵)

سلامت بودن

سلامت جسمی و روانی افراد یک جامعه به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی امنیت اجتماعی و رفاه ملی محسوب می‌شود. این شاخص‌ها شامل عواملی مانند افزایش امید به زندگی، نسبت تخت‌های بیمارستانی و پزشک به جمعیت، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، سرانه مواد غذایی، دسترسی به خدمات بهداشتی و کاهش میزان مرگ‌ومیر است. سطح زندگی، که به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی توسعه‌یافتگی یک کشور شناخته می‌شود، از طریق عواملی چون دسترسی به نوآوری‌های فنی و تکنولوژیکی، استانداردهای زیستی، دسترسی به شیوه‌های پیشرفته آموزش و پرورش، ارتباطات و مصرف بالای استانداردهای زندگی قابل اندازه‌گیری است.



رابطه انسان و جغرافیا

احساس تعلق به مکان جزء جدایی‌ناپذیر از وجود انسان است. انسان خود را در مکانی خاص جستجو می‌کند و ارتباط عمیقی با جایی دارد که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین می‌شود. برجسته‌ترین نمود این حس تعلق در اندیشه‌های میهن‌دوستی هر ملت قابل

مشاهده است. میهن‌خواهی و میهن‌دوستی به‌قدری طبیعی و غریزی است که گاهی با تعلقات معنوی انسان ترکیب شده و جنبه‌ای الهی به خود می‌گیرد. این حس تعلق آن‌قدر عمیق است که می‌تواند مفهومی مقدس پیدا کند، چنان‌که در اسلام آمده است: «حب الوطن من الایمان». (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۷۰).

همگونی یا ناهمگونی جمعیت

مشکلات، تنش‌ها و کشمکش‌ها میان گروه‌های ملی زمانی به‌وجود می‌آید که افراد یک کشور، باوجود برخورداری از حقوق شهروندی قانونی، از احساس تعلق به هویت ملی خود محروم باشند. در این راستا، دولت‌هایی که دارای ملت واحد و یکپارچه یا تک‌قومیتی هستند، از انسجام ملی به‌عنوان عاملی برای تقویت قدرت خود بهره‌مند می‌شوند. در دنیای کنونی، تعداد اندکی از کشورها با این ویژگی (دولت‌های یکدست) وجود دارند، در حالی که کشورهای چندملیتی در نقشه جهانی بسیار رایج‌ترند. این کشورها از ملیت‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که در یک واحد سیاسی قرار دارند و آینده انسجام یا عدم انسجام آنها هنوز مشخص نیست. به‌طور کلی، حضور ملیت‌های متنوع در یک کشور می‌تواند نیرویی گریز از مرکز ایجاد کند که در صورت بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌ها، این نیروها نه‌تنها قادر به چالش کشیدن حکومت‌های مرکزی خواهند بود، بلکه می‌توانند امنیت ملی و هویت آن کشور را نیز به خطر بیندازند. (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

ارزش‌های فرهنگی مردم

فرهنگ را می‌توان به‌عنوان میراث اجتماعی یک جامعه تعریف کرد که نه تنها شامل کالاها و اختراعات مادی است، بلکه تولیدات فکری و معنوی مانند عقاید، ارزش‌ها، باورها و تمایلات مردم را نیز در بر می‌گیرد. فرهنگ یک پدیده طبیعی نیست و در فرآیند رشد فرد در درون یک جامعه فرهنگی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. در هر کشور، فرهنگ پایدار و پیشرفته به‌عنوان عاملی کلیدی برای تضمین وحدت ملی شناخته می‌شود. در این زمینه، قدرت‌های بزرگ همواره سعی دارند تا این ارکان ملی قدرتمند را در کشورهای در حال توسعه تضعیف کنند. آن‌ها با ترویج فرهنگ‌های مخرب، خرافی و ناهنجار، باعث بی‌تفاوتی و کاهش اهمیت آرمان‌های ملی و باورهای عقیدتی مردم می‌شوند. (تهامی، ۱۳۹۰: ۲۳۶)

فرهنگ سیاسی مردم

فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، پیش‌فرض‌ها، علایق و رفتارهای مردم یک

ملت در زمینه مسائل سیاسی مانند حکومت، قدرت، رابطه ملت و دولت، روابط بین‌الملل، امنیت و مسائل مشابه اطلاق می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۱۹۳). این فرهنگ در طول زمان شکل می‌گیرد و تحت تأثیر وقایع، روندها و تجربیات تاریخی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در نتیجه، فرهنگ سیاسی در قالب نهادها، رفتارها، ساختارها و کنش‌های سیاسی برای تحقق اهداف جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین، نحوه تعامل مردم و حکومت، نوع واکنش مردم نسبت به قدرت، آرمان‌های آن‌ها در روابط خارجی و مسائل مشابه، همگی می‌توانند تأثیر زیادی بر امنیت ملی و بقای کشور داشته‌باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

سطح روحیه ملی

این ویژگی کیفی ارتباط نزدیکی با فرهنگ عمومی و زیرساخت‌های ذهنی جامعه دارد و با عواملی همچون امید به آینده، شجاعت، پشتکار، شادابی، نوآوری و همبستگی همراه است. برخی از ملت‌ها قدرت خود را به روحیه ملی خود نسبت می‌دهند که شامل این شاخص‌ها است. (همان: ۱۵۲).

بصیرت

بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور و دشمن‌شناسی می‌باشد. مقام معظم رهبری در توصیف مفهوم بصیرت به‌منزله دشمن‌شناسی می‌فرماید: «باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال به‌خصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است... نایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد باید بصیرت داشت.» (بیانات مقام معظم رهبری - ۲/۷/۱۳۸۸)

شجاعت

شجاعت یکی از ویژگی‌هایی است که در آموزه‌های اسلامی، چه در حوزه اخلاق فردی، اجتماعی و چه در سیاست، به آن توجه ویژه‌ای شده است. در این خصوص، مقام معظم رهبری بیان می‌فرماید: «شجاعت در برابر هیبت دشمن جزء شاخص‌هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولان کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده علت این بود که مسئولان و پیشروان قافله ملت، شجاعت لازم اعتماد به نفس لازم را نداشتند.» (بیانات مقام معظم رهبری - ۲۴/۹/۸۷).

تغییرات جمعیتی در پرتو امنیت اجتماعی

از دیرباز این نگرش وجود داشته که امنیت هر کشور معادل قدرت ملی آن کشور است و

افزایش قدرت ملی، به تبع آن، موجب افزایش امنیت ملی می‌شود. از این منظر، گسترش نیروی انسانی و تجهیزات نظامی به‌عنوان عامل افزایش قدرت و در نتیجه ارتقاء امنیت ملی تلقی می‌شود. اما این باور در دنیای امروز تغییر یافته است و بسیاری از پژوهشگران و متخصصان سیاسی و نظامی بر این عقیده‌اند که امنیت ملی دیگر صرفاً یک فرآیند تک‌بعدی نیست که تنها با افزایش قدرت نظامی تأمین شود، بلکه امنیت ملی فرآیندی چندجانبه و پیچیده است که از طریق ارتقاء ابعاد مختلف قدرت ملی و ایجاد تعادل میان آن‌ها حفظ می‌شود. بنابراین، برای تأمین و نگهداری امنیت ملی، علاوه بر توجه به ابعاد مختلف آن، باید به روابط و تناسب میان این ابعاد و قدرت ملی نیز توجه کرد. به‌طور کلی، قدرت ملی و امنیت ملی همواره رابطه‌ای مستقیم دارند؛ یعنی هرچه میزان توانایی و قدرت یک کشور افزایش یابد، امنیت آن کشور نیز ارتقاء می‌یابد. در این میان، قدرت ملی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای تأمین امنیت ملی شناخته می‌شود، به‌ویژه با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه تولید جنگ‌افزارها. در این راستا، جمعیت به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در قدرت ملی کشور، به‌ویژه در ابعاد نظامی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. جمعیت به‌عنوان منبع نیروی انسانی برای دفاع، منبع کار و تولید، ذخیره نیروی جنگی در زمان بحران و به‌عنوان پشتوانه روحیه ملی و قدرت کشور شناخته می‌شود (روشندل، ۱۳۹۴: ۷۱).

ترکیب و ساختار جمعیت در ابعاد مختلف آن تأثیر قابل‌توجهی بر قدرت ملی دارد. به‌طور مثال، درصد جمعیت در گروه سنی تولیدکننده (معمولاً بین ۱۸ تا ۴۵ سال) برای قدرت ملی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا جمعیت زیاد در این رده سنی می‌تواند نیروی انسانی مورد نیاز در بخش‌های نظامی، صنعتی و حتی تولید نسل را تأمین کند. علاوه بر این، ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت که الگوی ملت یک کشور را تشکیل می‌دهد، نیز بر قدرت ملی اثرگذار است. کشورهایی که ملت‌های یکپارچه یا تک‌قومی دارند، معمولاً از انسجام ملی و قدرت بیشتری برخوردارند، در حالی که کشورهای چند قومیتی که اقوام مختلف به‌طور متمایز در سرزمین‌های مختلف ساکن هستند، ممکن است با رقابت‌ها و کشمکش‌های داخلی مواجه شده و در نتیجه، با مشکلاتی همچون تفرقه ملی یا حتی تجزیه روبه‌رو شوند (حیدر، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

ترکیب و ویژگی‌های جمعیتی در موقعیت سیاسی و نقش یک دولت در عرصه بین‌المللی بسیار تأثیرگذار است؛ به‌طوری‌که کمیت و کیفیت جمعیت به‌طور هم‌زمان به‌عنوان عوامل مکمل یکدیگر در نظر گرفته می‌شود. به‌ویژه عواملی چون سطح تحصیلات، مهارت‌ها، اطلاعات

عمومی، رفاه و دیگر ویژگی‌های جمعیت نقش زیادی در تأثیرگذاری دولت در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی دارند. شکاف‌های مذهبی، نژادی، قومی، اجتماعی، اقتصادی و نسلی و ترکیب ناهمگون جمعیت می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر عملکرد دولت و موقعیت آن در سطح جهانی بگذارد. در دنیای امروز، قدرت واقعی و امنیت ملی تنها زمانی محقق می‌شود که جمعیت کشور علاوه بر تعداد کافی، از کیفیت مناسب برخوردار باشد؛ یعنی جمعیت باید در کنار تعداد مناسب، از لحاظ فکری و مهارتی نیز توانمند باشد. در نهایت، قدرت و امنیت یک کشور بستگی به جمعیت پایدار و نیروی انسانی آموزش‌دیده و کارآمد آن دارد.

نتیجه‌گیری

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان پایه‌های استحکام و پایداری یک کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت ملی ایفا می‌کنند. حفظ و ترویج این ارزش‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا تضعیف ارزش‌های مشترک و فرهنگ ملی می‌تواند موجب تهدیداتی برای امنیت ملی شود. این تهدیدات نه تنها از عوامل خارجی بلکه از چالش‌های درونی نیز ناشی می‌شوند. در این زمینه، تبلیغ فرهنگ‌های مغایر با ارزش‌های ملی در سطح بین‌الملل، همراه با نفوذ فرهنگ‌های بیگانه از طریق ابزارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، تهدیدات اجتماعی و فرهنگی جدیدی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به همبستگی ملی آسیب وارد کند.

چالش‌ها و تهدیدات موجود در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دوره گذار جمعیتی، از تغییرات در نگرش‌ها و هویت فردی آغاز می‌شود که باعث تغییر در نگرش‌های سنتی خانواده‌ها به موضوعاتی همچون باروری و ازدواج شده است. این تغییرات منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری زیر سطح جانشینی شده است. در حالی که در دهه‌های اولیه انقلاب، ارزش‌های سنتی همچون فرزندآوری و ازدواج موجب افزایش نرخ رشد جمعیت می‌شد، اما با گذشت زمان و به‌ویژه پس از اجرای سیاست‌های تک‌بعدی کنترل جمعیت، نرخ باروری به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. این کاهش باروری در کنار عواملی چون تغییر سبک زندگی و رشد مصرف‌گرایی، امنیت اجتماعی و فرهنگی کشور را تهدید می‌کند.

یکی از پیامدهای عمده تغییرات جمعیتی، بحران در ساختار خانواده است. در سه دهه اخیر، ساختار خانواده ایرانی دستخوش تغییرات قابل توجهی بوده است. این تغییرات شامل تغییر از خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای، تغییر از نظام خانوادگی به فردگرایی، کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری و افزایش سن ازدواج است. این تغییرات نه تنها باعث افزایش سن ازدواج

و کاهش جمعیت جوان شده است بلکه به ایجاد مشکلاتی همچون سالمندی جمعیت، کاهش نرخ باروری و تغییرات در الگوهای اجتماعی منجر شده است. این تغییرات در ساختار خانواده که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار گرفته‌اند، می‌توانند به تهدیدی جدی برای تداوم و پایداری الگوهای سنتی فرهنگی و اجتماعی کشور تبدیل شوند.

چالش دیگری که امنیت ملی کشور را تهدید می‌کند، افزایش سن ازدواج و آمار طلاق است. در جامعه امروز ایران، تغییرات در سبک زندگی، افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، هزینه‌های سنگین زندگی و تحرک اجتماعی، همگی به کاهش نرخ ازدواج و افزایش سن ازدواج و طلاق منجر شده‌اند. این روند می‌تواند موجب تضعیف نهاد خانواده، کاهش باروری و افزایش مشکلات اجتماعی شود که به‌طور مستقیم بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد.

در سطح کلان، جمعیت نه‌تنها از نظر کمی، بلکه از جنبه‌های کیفی نیز تأثیر زیادی بر قدرت ملی دارد. در دنیای امروز، جمعیت سالم، آگاه و متخصص می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در قدرت ملی کشورها شناخته شود. به همین دلیل، وجود جمعیت زیاد بدون برخورداری از سطح مناسب آموزش، سلامت و فرهنگ، نمی‌تواند منبعی برای قدرت باشد. به‌علاوه، افزایش یا کاهش جمعیت باید به‌طور متوازن و بر اساس ظرفیت‌ها و امکانات کشور انجام گیرد. اگر جمعیت بدون توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی افزایش یابد، ممکن است به‌جای اینکه موجب تقویت قدرت ملی شود، خود به عاملی برای محدود کردن توانمندی‌های کشور تبدیل شود.

در نهایت، قدرت ملی و امنیت ملی کشورها در گرو جمعیت پایدار و متعادل است که نه تنها از نظر کمی، بلکه از نظر کیفی نیز توانمندی‌های لازم را داشته باشد. بنابراین، توجه به جمعیت، حفظ الگوهای فرهنگی و اجتماعی سنتی، توازن بین ابعاد مختلف قدرت ملی و توجه به چالش‌های جمعیتی از مهم‌ترین عوامل برای تأمین امنیت ملی در دنیای امروز است.

منابع

الف) منابع فارسی

- *بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)*، نرم افزار حدیث ولایت
- امانی، مهدی (۱۳۸۴)، *میانی جمعیت‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.
- بوزان باری (۱۳۷۸)، *مردم دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی
- باری بوزان و همکاران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهنام، جمشید (۱۳۹۵)، *جمعیت‌شناسی عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- تقوی نعمت‌الله (۱۳۹۵)، *میانی جمعیت‌شناسی*، چاپ یازدهم، تهران، نشر آیدین
- تهامی، مجتبی (۱۳۹۰)، *امنیت ملی دکترین سیاستهای دفاعی و امنیتی (ج ۱)*، چاپ دوم، تهران سازمان عقیدتی سیاسی ارتش معاونت فرهنگی.
- تهامی، مجتبی (۱۳۸۸) "*ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی*"، تهران،
- جوان جعفر (۱۳۹۰)، *جغرافیای جمعیت جوان*، چاپ هشتم، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
- جعفری، هادی (۱۳۹۹)، *پیامدهای امنیتی تغییرات جمعیتی در ایران*، دانشگاه رازی
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۵)، *جغرافیای سیاسی ایران*، چاپ هشتم، تهران، سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی
- حافظ نیا، محمدرضا ولیقلی زاده علی و احمدی پور، زهرا (۱۳۸۸)، *بررسی و تحلیل نقش جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی ایران*، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۱.
- روشندل، جلیل (۱۳۹۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، چاپ یازدهم، تهران، سمت.
- زنجانی، حبیب‌الله و دیگران؛ (۱۳۸۶)، *جمعیت، توسعه و بهداشت باروری*، تهران، بشری، چاپ دوازدهم
- سروستانی (۱۳۹۰)، *تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه*، تهران،

انتشارات مؤسسه امام‌خمينی

- سمیعی نسب مصطفی و ترابی مرتضی (۱۳۸۹)، شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران، *فصلنامه برداشت دوم*، سال هفتم، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲
- عریضی زبانی رسول و فاطمه کریمی (۱۳۸۲)، بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، *فصلنامه علوم/اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۲۴
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ پنجم، تهران، سمت.
- عباسی شواری محمد جلال (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، *نامه علوم/اجتماعی*، شماره ۲۰
- قلی‌زاده، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن، *مجله آفاق امنیت*، شماره ۶
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۳)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه .
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۲)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۹۳)، جمعیت ایران و تحولات آن در نیم قرن گذشته (۱۳۹۰ - ۱۳۳۵)، *فصلنامه سیاست کلان*، سال سوم، شماره ۳
- حیدر، امیر (۱۳۹۳) " *مبانی جغرافیای سیاسی* " چاپ بیستم، تهران، سمت.
- مینایی، حسین و یعقوب زهدی (۱۳۹۱)، بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۳۹
- هاگ، پی‌تر (۱۳۹۰)، " *فهم امنیت در جهان امروز* "، مترجم حسین عساریان نژاد، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی
- لر نی، منوچهر (۱۳۸۳) *آسیب شناسی امنیت*
- مشفق، محمود (۱۳۹۱)، *تحولات جمعیتی چالش‌های فرارو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران*، تهران مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی

(پ) منابع خارجی

-Ackleson, Jason (2005); "Constructing Security on the U.S-Mexico Border", *Political Geography*, No. 24

-Waters, J. L. (2009), "Immigration". International Encyclopedia of Human Geography.

-Bongaarts, John (1997), population policy options in the developing world, *science* 263

-VandeKaa (2002), *Second Demographic Transition: Concepts, Dimensions, New Evidence*, <http://www.demogr.mpg.de/Paper>

-Lesthaeghe, Ron (2006), Second Demographic Transition, U.S, March, *population and development review* <https://mydejban.com>